

گزارشی از کارگاه توسعه سواد خواندن آموزگاران منتخب پایه چهارم دبستان شهر تهران

«قصه، راهی برای تغییر مثبت در زندگی»



داستان‌هایی با موضوع‌های متنوع و جذاب مانند ماجراجویی، فانتزی، حیوانات و زندگی روزمره، می‌توانند توجه دانش‌آموزان را جلب کنند. کتاب‌هایی با تصویرهای رنگی و جذاب، می‌توانند به درک بهتر داستان و تقویت مهارت‌های دیداری کمک کنند.

معلم می‌تواند با صدای رسا و با لحن‌های متفاوت برای دانش‌آموزان داستان بخواند تا آن‌ها را به دنیای داستان‌ها ببرد. پس از خواندن هر داستان، معلم می‌تواند با دانش‌آموزان درباره شخصیت‌ها، وقایع، احساسات و پیام‌های داستان بحث و گفت‌وگو کند تا درک آن‌ها را از داستان عمیق‌تر کند.

انجام فعالیت‌های گروهی مانند نمایش دادن داستان، نقاشی کردن شخصیت‌ها یا نوشتن داستان‌های کوتاه، می‌تواند به تقویت مهارت‌های ارتباطی و خلاقیت دانش‌آموزان کمک کند.

هم‌زمان با چهارمین روز برگزاری کارگاه توسعه سواد خواندن با شعار «قصه در مدرسه»، آموزگاران پایه چهارم منتخب مناطق شهر تهران در محل دبستان سعادت در منطقه ۵ گرد هم آمدند تا از تازه‌ترین محتواها در این زمینه استفاده کنند و امکان ارتقای سواد خواندن دانش‌آموزان این پایه را فراهم آورند. این کارگاه با برنامه‌ریزی، هماهنگی و همراهی معاونت آموزش ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران به مدت پنج روز برگزار شد. با ما همراه باشید تا از کارگاه روز چهارم بیشتر بدانید. جذاب‌تر کردن و سرگرم‌کننده کردن سواد خواندن دانش‌آموزان در کنار افزایش قدرت تحلیل در بچه‌ها، از جمله اهداف این کارگاه بود.

تدریس و آموزش دوره‌های معلمان را بر عهده داشته است، از حاضران خواست ابتدا خود را معرفی کنند. سپس از شرکت‌کنندگان خواست تا گروه‌های دو نفره تشکیل دهند و با هم گروهی خود به‌طور کامل آشنا شوند. در ادامه هر گروه با حضور در کنار تریبون، طرف مقابل را معرفی کند. او در این فرصت از هر شخص خواست یکی از ویژگی‌های خوب هم‌گروهی خود را با جمع حاضر در کارگاه در میان بگذارد.

دکتر فعال درباره هدف از این کار گفت: «اگر من بخواهم خودم را معرفی کنم، شاید نتوانم همه چیز را درباره خودم با دیگری در میان بگذارم. باید این را بدانیم که یکی از وظایف ما در مدرسه این است که از بچه‌ها بخواهیم ویژگی‌های دوستان خود را به دیگران معرفی کنند. من با این هدف امروز از شما خواستم اعضای گروه خود را معرفی کنید و در ادامه این کار را در مدرسه با بچه‌ها تمرین و دنبال کنید.»

وی در ادامه فیلم کوتاه و پویانمایی یکسان (Alike) را برای حاضران در کارگاه به نمایش گذاشت. این پویانمایی بیانگر آن است که انسان امروزی درگیر نظام‌ها و روتین‌های رفتاری و عملی

است. اما وجود این ویژگی‌ها، تنها مختص قشر بزرگسال و فعال در نظام‌های کاری نیست و حتی کودکان نیز برای یکسان شدن با پدر و مادرهایشان و حضور در جامعه بر مبنای رفتارها و آینده یکسان آماده می‌شوند. در چنین شرایطی نه تنها شادی و نشاط کودکان نابود می‌شود، بلکه عناصر هویت مستقل و خلاقیت نیز در وجود آن‌ها کشته می‌شود. تمامی این شرایط در پویانمایی کوتاه یکسان به تصویر کشیده

یکی از مهارت‌هایی که باید یاد بگیریم، بحث کوتاه نویسی منظوری مقصود خودمان است. فیلم را باید از زاویه‌های گوناگون ببینیم، کنجکاوی و چالش ایجاد کنیم و به تولید سؤال در این زمینه پردازیم

شده‌اند.

پس از پایان این پویانمایی، دکتر فعال از حاضران خواست نظر خود را درباره این فیلم مطرح کنند. وی از این فرصت استفاده کرد و گفت: «یکی از مهارت‌هایی که باید یاد بگیریم، بحث کوتاه نویسی منظوری مقصود خودمان است. فیلم را باید از زاویه‌های گوناگون ببینیم، کنجکاوی و چالش ایجاد کنیم و به تولید سؤال در این زمینه پردازیم.»

این کارشناس حوزه خلاقیت و تربیت کودک و مدرس دانشگاه از هر صحنه پویانمایی «یکسان» بهره برده و سؤالی را طرح کرده و با حاضران در میان می‌گذاشت.



عمیق‌تر شدن مفاهیم در پایه چهارم

ابتدا سید کمال شهابلو، مدیر تولید انتشارات قصه و داستان، درباره اهمیت دوره ابتدایی با حاضران صحبت کرد و جایگاه کلاس چهارم را به‌عنوان آغاز دوره دوم ابتدایی مهم عنوان کرد و گفت: «مفاهیم در این

دوره برای بچه‌ها به تدریج عمیق‌تر می‌شوند و کار شما از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در این پایه است که آنان با سواد بیشتری به سمت پایه پنجم هدایت می‌شوند.»

وی در ادامه به معرفی کارگاه برای حاضران پرداخت و از برنامه‌هایی که برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است سخن گفت و افزود: «در این جلسه سرکار خانم دکتر اعظم فعال، کارشناس حوزه خلاقیت و تربیت کودک، درباره

مهارت‌های ارتباطی با شما صحبت می‌کنند. فیلمی در این باره نمایش داده خواهد شد و در ادامه آقای محمد ناصری، نویسنده و ایده‌پرداز جریان قصه در مدرسه، درباره توسعه سواد خواندن نکاتی را با شما در میان خواهند گذاشت. ایشان یکی از نویسندگان مشهور ادبیات داستانی در ایران، مدیرکل اسبق دفتر انتشارات و فناوری آموزشی و مدیر فرهنگی در نهادهای و موسسات آموزشی می‌باشند.

مهارت کوتاه نویسی را یاد بگیریم

در این قسمت از برنامه، دکتر اعظم فعال که سال‌ها



برای مثال، وقتی در فیلم موضوع درآغوش گرفتن پدر و بچه به نمایش درآمد، از معلمان حاضر در کارگاه پرسید، آیا شما بچه‌ها را بغل می‌کنید یا خیر؟ او در ادامه خطاب به حاضران گفت: «ما باید به علاقه و استقلال بچه‌ها توجه کنیم و کاری کنیم همه چیز برای آنان جذاب باشد. واژه تلفیق صرفاً برای مطالب و مباحث درسی نیست، بلکه روش‌ها را هم می‌توان با هم تلفیق کرد. اول باید پدر و مادرها ذوق داشته باشند و آن را به کودک خود انتقال دهند. وقتی شما برای انجام کاری تا صبح بیدار بمانید که آن را انجام بدهید، نمی‌توان این را اجبار نامید، بلکه این ذوق است.»

این مدرس دانشگاه در ادامه نظر حاضران را در مورد علاقه‌مندی به کتاب جویا شد و در همین باره گفت: «بین علاقه شما و بچه‌ها باید هم‌پوشانی ایجاد شود. وقتی شما به مطالعه کتاب در زمینه‌های گوناگون علاقه داشته باشید، بچه‌ها نیز از شما الگو می‌گیرند و به کتاب و مطالعه علاقه پیدا می‌کنند. ما باید سعی کنیم به علاقه بچه‌ها احترام بگذاریم و به آن توجه نشان بدهیم. باید به دانش‌آموزان فرصت بدهید خودشان بخوانند. اگر گاهی یک دانش‌آموز

در خواندن مکث می‌کند یا نمی‌تواند درست بخواند، به او فرصت بدهید خواندن را تمرین کند. هیچ‌وقت فکر نکنید بچه‌ها نمی‌توانند بخوانند. در این زمینه باید از ارتباط غیرکلامی استفاده کنید. حواستان باشد، سؤال چرا گاهی اوقات بچه‌ها را به دروغ‌گویی وامی‌دارد. زیرا آن‌ها می‌خواهند به شما پاسخ بدهند و گاهی احساس می‌کنند پاسخشان ممکن است موردقبول نباشد. لذا به سمت دروغ پیش

می‌روند. برای مثال، وقتی از بچه می‌پرسی چرا تکلیف خودت را نیاوردی، او به دنبال بهانه است تا شما را راضی کند.»

فعال در پایان این بخش به حاضران یادآور شد به اهمیت گوش‌دادن توجه و دقت نشان بدهند و در سؤال کردن نیز به دنبال پرسش‌های مناسب باشند.

راه را کشف کنید و بسازید!

در این بخش محمد ناصری، مدرس کارگاه، ضمن خوشامدگویی به حاضران، قبل از ارائه مباحث موردنظر خود، به شیوه ارائه خانم دکتر اعظم فعال

اشاره کرد و گفت: «ایشان از راهی نرفت که کلیشه برگزاری سخنرانی و این صحبت‌هاست. از راهی نرفت که کلیشه معرفی‌های معمول است. و شما دیدید که این ارتباط چقدر بهتر برقرار شد. زمانی که ایشان این فیلم را به نمایش گذاشت، هر کدام از شما نظر خودتان را ارائه کردید. من هم یاد فیلم دیگری افتادم که در تعطیلات عید از تلویزیون پخش شد. این فیلم که رادیکال نام دارد، حدود دو ساعت است و فکر می‌کنم در سال ۲۰۲۳ ساخته شده است؛ یک فیلم کاملاً تربیتی که تفسیر این حرف است: از راهی نروید که همه معلمان می‌روند.

راهی را کشف کنید که خودتان بنا به تجربه شخصی خودتان و ذوق و عشق خودتان ساخته‌اید. خیلی‌ها ضد مدرسه هستند. خیلی از ما، از معلمان خودمان در مدرسه خاطرات خوبی نداشتیم. تحمیل مدرسه، اجبار مدرسه، فضای مدرسه، مدیریت مدرسه، درس‌های مدرسه و شیوه تدریس معلمان. دانش‌آموزان را به این جمع‌بندی رسانده بود که وارد فضای بسته بی‌روحی می‌شویم. به همین دلیل، وقتی زنگ‌های تفریح می‌شد، انگار که بچه‌ها آزاد می‌شدند. انگار مثلاً در قفسی را باز می‌کنید که همه بروند. خب طبیعی است در این فضای معمولاً رایج، آن موقع که زنگ می‌خورد، همه بچه‌ها سر جایشان نشسته‌اند و اتفاق دیگری دارد در کلاس می‌افتد. این موارد راجع به تحمیل آموزش بود. سهراب سپهری چند شعر درباره دبستان دارد. کسی

سؤال چرا گاهی اوقات بچه‌ها را به دروغ‌گویی وامی‌دارد. زیرا آن‌ها می‌خواهند به شما پاسخ بدهند و گاهی احساس می‌کنند پاسخشان ممکن است موردقبول نباشد. لذا به سمت دروغ پیش می‌روند



یادش هست؟ حداقل یکی از آن‌ها خیلی معروف است. سهراب می‌گوید: «وودکی دیدم سنگ به دیوار دبستان می‌زد.» خیلی شعر معروفی است. من الان یک تکه معروف را برایتان می‌خوانم. شما حتماً بعضی از شعرهای او را خوانده‌اید و می‌شناسید. یک جایی می‌گوید:

«چیزها دیدم در روی زمین، کودکی دیدم ماه را بو می‌کرد، قفسی دیدم که در آن روشنی پرپر می‌زد.» همین جوری می‌آید پایین. از آن فضا شروع می‌کند و می‌رسد به امروز. «شهر پیدا بود. رویش هندسی سیمان، آهن، سنگ، سقف بی‌کفتر صدها اتوبوس، گل‌فروشی گل‌هایش را می‌کرد حراج.» می‌آید پایین‌تر: «پسری سنگ را به دیوار دبستان می‌زد.» خیلی‌ها هستند به دیوار دبستان سنگ می‌زنند. حالا ابتدایی که خیلی نسبت به دوره‌های بعدی قشنگ‌تر است باز. اما سپهری در این شعر می‌گوید: «و نخوانیم کتابی که در آن باد نمی‌آید و کتابی که در آن پوست شبنم تر نیست و کتابی که در آن یاخته‌ها بی‌بعدند. و نخواهیم مگس از سر انگشت طبیعت بپرد. و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون. و بدانیم اگر کرم نبود، زندگی چیزی کم داشت.» و تا آخر.

شما ببینید اندیشه شاعرانه است. و شعر به معنی واقعی آن، حس و عاطفه‌ی بچه‌هایی است که شما با آن‌ها سر و کار دارید. معلم، به‌ویژه در دوره ابتدایی، نمی‌تواند تهی باشد از عاطفه و احساس. نمی‌تواند قدر ایجاد رابطه خوب را فراموش کند.

مدرس کارگاه که خود از جمله نویسندگان کشور به شمار می‌رود و صاحب آثار متعددی نیز هست، در ادامه به مقایسه‌ای ظریف میان دانش‌آموزان دوره ابتدایی با دوره‌های متوسطه و دانشگاه

کرد و گفت: «در متوسطه ممکن است معلمی یا دبیری خیلی باسواد باشد، خیلی اقتدار داشته باشد، خیلی بلد باشد و در عین حال خیلی هم بداخلاق باشد. ولی وقتی می‌آید، تمام بچه‌ها به خاطر دانشش مقابل او زانو می‌زنند. اقتدارش را با دانشش در نظر می‌گیرند. ممکن است اصلاً بداخلاق هم باشد؛ در متوسطه و دانشگاه.

اما مطمئن باشید دبستان، بیش از آنچه دوره دانشی باشد، دوره عاطفی بچه‌هاست. دوره‌ای است که شما انگشت بزرگ احساس بچه‌ها باید بگذارید.

بچه‌ها در ابتدایی قرار نیست خیلی چیزهای زیادی یاد بگیرند. به‌خصوص امروزه که معنی سواد هم عوض شده است. آخرین تعریف از سواد، دانش زیاد نیست. سواد امروزه اصلاً انواع و اقسام دارد. ممکن است یکی سواد عاطفی‌اش خوب باشد، ولی سواد دانشی‌اش خیلی کم باشد. سواد محیط‌زیستی‌اش خیلی کم باشد. سواد رسانه‌ای او مثلاً کم باشد. اما وجه اشتراک

همه این موارد آن است که هر کسی می‌تواند باسواد باشد، به شرط اینکه بتواند بر اساس آموخته‌ها و دانش خودش تغییر مثبتی در زندگی خودش ایجاد کند. این می‌شود سواد. و آن سواد، دانش انبوه نیست. اگر فکر می‌کنید حتماً فقط آن کلمه‌ها و واژه‌ها و حرف‌هایی که در کتاب‌های درسی به‌عنوان برنامه نوشته شده و از شما خواسته شده است که در بودجه‌بندی راهنماهای معلم به آن‌ها برسید، این کار طبیعتاً کار معلمی نیست. اگر

شما انگیزه‌های درونی بچه‌ها را بیشتر نکنید، اگر ارتباطتان را با بچه‌ها بیشتر نکنید، مطمئناً کلیدی برای حل همه مشکلات به بچه‌ها نیتان داده‌اید. من الان نمی‌خواهم راجع به ابعاد تدریس یا شیوه‌های تدریس و روش‌های آن صحبت کنم.

اصلاً موضوع امروز ما فقط راجع به بخشی از آن چیزی است که شما باید بلد باشید و البته بلد هستید و تجربه‌اش را دارید و امروز هم آمده‌ایم با همدیگر هم‌اندیشی کنیم، گفت‌وگو کنیم و در ضمن درباره یک بسته، به‌عنوان یک نمونه از نمونه‌هایی که می‌تواند

اما مطمئن باشید دبستان، بیش از آنچه دوره دانشی باشد، دوره عاطفی بچه‌هاست. دوره‌ای است که شما انگشت بزرگ احساس بچه‌ها باید بگذارید. بچه‌ها در ابتدایی قرار نیست خیلی چیزهای زیادی یاد بگیرند



و بسته موردنظر برای تقویت مهارت خواندن را هم معرفی کنیم. لذا این جلسه برای معرفی این بسته خدمت شماست.»

سخنران جلسه در ادامه خطاب به معلمان منتخب حاضر در کارگاه یادآور شد: «این جلسه برای معرفی این بسته به شماست. اول به این دلیل که شما آموزگار این پایه و دوره تحصیلی هستید و دوم اینکه شما به عنوان راهبران این طرح و بسته، از مناطق خودتان معرفی شده‌اید. لذا اگر مدیران این بسته را بپسندند، شما می‌توانید آن را در منطقه خودتان معرفی کنید. البته شما با مرکز توسعه خواندن در ارتباط خواهید بود و هماهنگی‌هایی با شما در این زمینه انجام خواهد شد. انجام فعالیت در این زمینه منحصر به همین یک جلسه نخواهد بود. ما با هم جلسه‌های دیگری هم خواهیم داشت و بیشتر گفت‌وگو می‌کنیم. این کار را به منزله بازاریابی کتاب یا بسته تلقی نکنید. ما معلم هستیم و در زمینه یک فعالیت فرهنگی و آموزشی تلاش می‌کنیم.»

ناصری در ادامه به سراغ کتاب راهنمای معلم درس فارسی پایه چهارم رفت و گفت: «این کتاب راهنما را زمانی انتشارات مدرسه چاپ و منتشر می‌کرد، اما به دلیل آنکه معلمان از این کتاب استقبال نکردند، الان مدتی است که فایل پی‌دی‌اف آن را روی وبگاه قرار داده‌اند تا کسانی که در این زمینه احساس نیاز می‌کنند، فایل را بارگیری کنند، یا مثل من آن را پرینت بگیرند و استفاده کنند. اگر شما می‌خواهید به اهداف این کتاب دسترسی پیدا کنید، نزدیک‌ترین، ساده‌ترین و واجب‌ترین راه این است که کتاب را خوب بخوانید و از این راهنمای دقیق به درستی استفاده کنید.

شما حتماً عنوان مطالعات پرلز را شنیده‌اید؛ نامی که بعضی‌ها از آن به عنوان آزمون یاد می‌کنند، در حالی که اصلاً آزمون نیست. اگر هم آزمون باشد، برای وزیر آموزش و پرورش و معاونان آموزشی اوست. این مطالعات در پایه چهارم در سراسر دنیا انجام می‌شود. ما از سال ۱۳۷۰ در پرلز حضور پیدا کرده‌ایم. ایران تا امروز همیشه از حد متوسط و میانگین جهانی این مطالعات که عدد ۵۰۰ است، پایین‌تر بوده است. من پیشنهاد می‌کنم، کتابی را که در این زمینه منتشر

سواد خواندن را توسعه بدهد، با همدیگر حرف بزنیم.»

ما چرا آمده‌ایم اینجا؟

ناصری سپس در ادامه گفت: «اما این سؤال ممکن است در ذهن شما باشد که خب این حرف‌ها حرف‌های خوبی است. اما اصلاً ما چرا آمده‌ایم اینجا؟ بگذارید اول من برای شما نکته‌ای را بگویم و بعد بحث را ادامه بدهیم.

این بسته را که الان به شما معرفی خواهم کرد، به دست دوستان معاونت آموزش ابتدایی شهر تهران رسیده بود. شهر تهران بنا به اهداف زبان‌آموزی در دوره ابتدایی، که جزو اهداف اصلی و اولیه آن است، این بسته را پسندیدند و جلسه‌هایی با مسئولان و مدیران مرکز توسعه سواد خواندن، با شعار «قصه در مدرسه»، داشتند.

توسعه خواندن جزو وظایف دوره ابتدایی به‌ویژه چهارم دبستان است. دلیل ویژه‌بودن پایه چهارم را هم خدمت شما خواهم گفت.

در یکی از همین جلسه‌های خواستند کارگاهی به تفکیک پایه، برای معلمان دوره ابتدایی مناطق شهر تهران برگزار شود. خدمت این دوستان عرض کردیم که ما آموزگاران را نمی‌شناسیم. آن‌ها پاسخ دادند انتخاب آموزگاران برای حضور در کارگاه را ما انجام می‌دهیم. مدرسه، منطقه، انتخاب و هماهنگی همه و همه از طرف آموزش و پرورش انجام شد و از ما فقط خواستند برگزارکننده کارگاه به تفکیک پایه باشیم

این جلسه برای معرفی این بسته به شماست. اول به این دلیل که شما آموزگار این پایه و دوره تحصیلی هستید و دوم اینکه شما به عنوان راهبران این طرح و بسته، از مناطق خودتان معرفی شده‌اید



دادم؛ بدون آنکه آن‌ها را بخرم. این نکته را از آن جهت عرض کردم که مهارت خواندن در بین ما و پدران و مادران کم است. دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم دبستان از نظر خواندن در یک دوره سطحی به سر می‌برند. کم‌کم از پایه چهارم است که درک مطلب، استنباط، استنتاج و نقد و بررسی شروع می‌شود. وقتی چهار مهارت شنیدن، حرف زدن، خواندن و نوشتن را یاد بگیرید، به سطح عمیق‌تر و بالاتر راه پیدا می‌کنید. اینجاست که به نقد و بررسی و گفت‌وگو می‌رسید. آقای سروش صحت در «کتاب‌باز» و «کنون» افراد کتاب‌خوان را می‌آورد و با آنان گفت‌وگو می‌کند. من یک اندیشه دارم و شما هم یک اندیشه دارید. در این گفت‌وگو با هم درباره کتاب گپ می‌زنیم.»

خواندن مهارت اکتسابی است

مدیرکل اسبق دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش در ادامه خطاب به معلمان پایه چهارم گفت: «بچه‌های پایه چهارم عاشق صحبت کردن و

نظر دادن هستند و دوست دارند نظرات خودشان را اجرا کنند. این صندلی صمیمیت، اگر واقعاً صندلی صمیمیت باشد، بچه‌ها عاشق آن هستند. همیشه معلم صحبت کرده و حالا دانش‌آموز است که می‌خواهد حرف بزند. خاطرم هست، زمانی در مدرسه سروش منطقه ۱۷ تهران تدریس می‌کردم. جایی که آقای چنگیز فوتبالیست و آقای مهرآرای هنرپیشه در آن تدریس داشتند. دانش‌آموز باهوشی به نام اخوان داشتیم که حرف را سریع دریافت

می‌کرد و من هنگام تدریس متوجه می‌شدم او مبحث را گرفته است. یک بار وقتی به دفتر مدرسه رفتم، متوجه شدم این پسر را برده‌اند دفتر و ناظم‌ها هم شلنگ دستشان بود و با او کل‌کل می‌کردند چون سرکلاس حرف زده بود. ناگهان این پسر گفت: آدم به دنیا آمده که حرف بزند. این جمله را آن قدر با انرژی گفت که همه را در جای خودشان میخکوب کرد. خلاصه اینکه میان‌داری کردم و اخوان را از دست ناظم‌ها نجات دادم.

چرا بچه‌ها در ایران می‌گویند مدرسه جای خوبی

شده و انتشارات مدرسه چاپ کرده است، حتماً یک‌بار بخوانید. این کتاب و آمارها نشان می‌دهند که ما در خواندن ضعف داریم و مهارت خواندن در معنای واقعی خودش اینجا اتفاق نمی‌افتد. زیرا کتاب در سبد خرید خانواده‌ها، آن‌طور که باید و شاید، جایگاه لازم را ندارد. اگر هم به نمایشگاه کتاب می‌رویم، در واقع یک فروشگاه بزرگ کتاب

است.»

مهارت خواندن در بین ما و پدران و مادران کم است. دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم دبستان از نظر خواندن در یک دوره سطحی به سر می‌برند. کم‌کم از پایه چهارم است که درک مطلب، استنباط، استنتاج و نقد و بررسی شروع می‌شود

ناصری سپس به خاطره‌ای در این زمینه اشاره کرد و گفت: «مدتها قبل به منزل یکی از آشنایان رفته بودم. در آنجا دیدم در کتابخانه ایشان چه کلکسیون بزرگی از آثار معروف نویسندگان بزرگ دنیا وجود دارد. اجازه خواستم کتابخانه‌شان را از نزدیک ببینم. تمام کتاب‌ها از آثار گران‌قیمت و کمیاب بودند. متوجه شدم بعضی از مجموعه

کتاب‌ها را هنوز از جلد پلاستیکی

آن‌ها خارج نکرده‌اند. گفتم کتابخانه خیلی خوبی دارید، اما چرا هنوز بعضی از کتاب‌ها از پوشش نایلونی خارج نشده‌اند؟ ایشان که کارمند بانک بود، گفت، من تمام کتاب‌ها را دنبال می‌کنم و آثار فاخر را می‌خرم تا آن‌شاءالله در زمان بازنشستگی آن‌ها را مطالعه کنم. غافل بود از اینکه در آن سن و سال و دوران هم انسان پیچیدگی‌ها و مسائل خاص خودش را دارد و شاید اصلاً فرصت مطالعه پیدا نکند! این در حالی است که من بعضی از این کتاب‌ها را خودم در دوره‌های گوناگون از کتابخانه امانت گرفته و مطالعه کردم و پس



نیست، اما در ژاپن مدرسه جای خوبی به حساب می‌آید؟ چون در آنجا می‌روند دوست پیدا کنند بازی کنند، کار گروهی انجام بدهند، راحت باشند و همدیگر را بفهمند. لذا ما باید روش‌های خودمان را تغییر بدهیم. پیشنهاد می‌کنم حتما فیلم رادیکال را ببینید. این فیلم نگاه شما را تغییر می‌دهد.

چطور می‌شود ما در مطالعات پرلز و تیمز از آن جایگاه مناسب برخوردار نباشیم؟ دلیلش این است که در خواندن ضعف داریم. ما باید خواندن را تقویت کنیم. خواندن یک مهارت اکتسابی است. تا مدرسه‌های ما زمینه مهارت خواندن را فراهم نکنند، این مهارت در کشور ما رونق نمی‌گیرد. اصلاً هدف از راه‌اندازی مجلات رشد یا همان پیک قدیم، بحث توسعه خواندن بود؛ خواندنی غیراجباری و کاملاً اختیاری.»

مدرس کارگاه سپس به فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در موضوع در آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «الان در آموزش و پرورش خیلی جاها در حال راهگشایی هستند. برنامه‌هایی مثل بوم یا همان برنامه ویژه مدرسه را در نظر گرفته‌اند. اما ما از آن استفاده نمی‌کنیم. در همین برنامه بوم، نزدیک

به ۳۰ مدل کار طراحی شده است که حداقل سه مدل آن درباره قصه و گفت‌وگو است. آیا ما در این ساعت‌ها با بچه‌ها گفت‌وگو می‌کنیم؟ برایشان قصه می‌خوانیم؟ رمان می‌خوانیم؟ در طرح «خوانا» باید به مطالعه پرداخت. یعنی باید سراغ کتاب غیردرسی برویم. مطالعات پرلز می‌گوید، در کشورهایی که بچه‌ها بیشتر سراغ کتاب‌های داستانی می‌روند و خواندن و مطالعه داستان رونق دارد، دو اتفاق صورت می‌گیرد: اول اینکه

سطح خواندن این بچه‌ها بالاتر می‌رود و دوم اینکه در درس‌ها موفق‌تر می‌شوند.

پرلز بخشی از مطالعه انجمن پیشرفت تحصیلی است و نگاه همه‌جانبه دارد، اما به خواندن به‌طور ویژه نگاه می‌کند، زیرا کلید فهم درس‌ها خواندن است.»
ناصری در ادامه درباره مرکز توسعه سواد خواندن با شعار «قصه در مدرسه» اطلاعات بیشتری داد و یادآور شد: «در این مرکز تعدادی از افراد معلم، نویسنده، فرهنگی، گرافیکست و تصویرساز در کنار هم قرار گرفتند تا بتوانند به موضوع توسعه خواندن بپردازند.

آنچه ما امروز به‌عنوان یک مجموعه برای پایه چهارم تقدیم شما می‌کنیم، شامل شش کتاب داستان و شش دفتر قصه است.

پرلز می‌گوید، اگر می‌خواهید بچه‌ها را به خواندن علاقه‌مند کنید، باید متن با کیفیت و جذابی به آنان ارائه کنید. متن جذاب، یا متن ادبی و

داستانی است، یا متن اطلاعاتی و علمی، که هر دوی آن‌ها مهم هستند. یعنی اگر قرار است متن علمی به بچه‌ها بدهید، باید شیرین و جذاب باشد. اگر بخواهیم بچه‌ها را به خواندن علاقه‌مند و در زمینه توسعه خواندن تلاش کنیم، مناسب است از قالب داستان استفاده کنیم. به همین دلیل است که این مجموعه با عنوان قصه در مدرسه ارائه شده است و به چهار مهارت خواندن، شنیدن، گفتن و نوشتن توجه دارد. کودک ابتدا از شنیدن و سپس حرف زدن آغاز می‌کند و در مراحل بالاتر به سراغ خواندن و نوشتن می‌رود. در مراحل و مراتب بالاتر و یادگرفتن زبان‌های دوم و سوم هم روال به همین ترتیب است. یعنی به شما می‌گویند بروید فیلم ببینید و زیاد گوش کنید. یکی از مشکلات ما این است که در گفتن و شنیدن هم نقطه ضعف زیادی داریم.»

انشا یا املا؛ نوشتن کار سختی است!

سخنران جلسه با طرح پرسشی در زمینه اهمیت

**پرلز بخشی از مطالعه
انجمن پیشرفت تحصیلی
است و نگاه همه‌جانبه
دارد، اما به خواندن به‌طور
ویژه نگاه می‌کند، زیرا کلید
فهم درس‌ها خواندن است**



املا و انشا و دلایل مهم بودن هر کدام، از حاضران در جلسه نظرخواهی کرد و صحبت‌های آنان را در این باره شنید. تعدادی از شرکت‌کنندگان که همان معلمان پایه چهارم بودند، از نگاه خود اولویت یا برتری املا را نسبت به انشا، یا انشا را نسبت به املا مطرح کردند. این بخش از برنامه بسیار جالب و جذاب بود، زیرا هر کسی دلایل خود را مطرح می‌کرد و پاسخ‌های دیگران را می‌شنید.

ناصری در همین ارتباط مثالی ارائه کرد و گفت: «بچه کوچولو به جای اینکه بگوید مامان به من آب بده، می‌گوید بده مامان آب. ۱۰ بار دیگر هم این جمله را تکرار می‌کند. سپس در مرتبه بعد به مادرش می‌گوید مامان به من آب بده. او در صحنه عمل است که این عبارت را یاد می‌گیرد. من در اینجا یاد آن جمله اورهان پاموک، نویسنده بزرگ ترکیه‌ای و صاحب کتاب‌های متعدد، از جمله استانبول، افتادم. از او پرسیدند، وحشتناک‌ترین صحنه‌های زندگی شما چیست، پاسخ داد، وقتی پشت میز خودکار به دست می‌گیرم و می‌خواهم بنویسم و مقابل من یک کاغذ سفید و خالی قرار دارد، به خودم

می‌گویم، چه کسی می‌خواهد این صفحه سفید را پر کند؟

چرا این حرف را می‌زند، چون نوشتن کار خیلی سختی است. برای اینکه باید چیزی را خلق و ایجاد کند و به وجود بیاورد. پایه چهارم پایه به وجود آوردن و خلق کردن است. طبیعی است اگر شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن کلمه‌ها اتفاق افتاده باشد، اصلاً کار به اینجا نمی‌رسد. فکر کردن و خلق کردن را شما در اهداف آموزشی می‌بینید. البته این

موارد می‌توانند به موازات هم پیش بروند. هنگامی که شما می‌خواهید زبان‌های دوم یا سوم را بخوانید و یاد بگیرید، به شما می‌گویند حرف بزنید. اصلاً مهم نیست قوانین دستوری را رعایت می‌کنید یا نه. هدف این است که شما ترس حرف زدن را در خودتان از بین ببرید. یعنی شما آن قدر تکرار می‌کنید تا آرام آرام واژگان برایتان آشنا شوند و بالاخره آن‌ها را به درستی به کار می‌برید. این درست شبیه یاد گرفتن شنا در کنار استخر است. اگر کسی کنار استخر بنشیند و مربی کلی برای او توضیح بدهد، در نهایت شنا یاد نمی‌گیرد.

برای انجام این کار باید داخل استخر و آب بشوید و شنا کنید و دست و پا بزنید. گاهی هم ممکن است یک نفر به طور تجربی شنا را خیلی خوب یاد گرفته باشد، ولی همین فرد اگر بخواهد شنا را به طور علمی بیاموزد، خیلی راحت‌تر و سریع‌تر آن را فرا خواهد گرفت.»

مدرس کارگاه در ادامه به موضوع مهارت‌های چهارگانه پرداخت و در این رابطه گفت: «ما در این مجموعه می‌خواهیم این چهار مهارت را که در ذات آن‌ها فکر کردن و خلاقیت وجود دارد، مورد توجه قرار بدهیم. کسی که چیزی تولید می‌کند و مثلاً در باب مهارت‌های زبانی می‌نویسد، ممکن است غلط املایی هم داشته باشد. وقتی کسی می‌نویسد و یک صفحه را پر می‌کند، بضاعتش خیلی بیشتر از آن کسی است که در واقع فقط در قید و بند این است که دقیق و استاندارد بنویسد.

**مرکز توسعه سواد خواندن
با شعار «قصه در مدرسه»
اطلاعات بیشتری داد و
یادآور شد: در این مرکز
تعدادی از افراد معلم،
نویسنده، فرهنگی،
گرافیک و تصویرساز
در کنار هم قرار گرفتند تا
بتوانند به موضوع توسعه
خواندن بپردازند**

قافیه اندیشم و دلداری من

گویدم مندیش جز دیدار من

می‌دانید که مولانا بداهه شعر می‌گفته است؛ غلط‌هایی در وزن و قافیه در بعضی از شعرهای مولانا وجود دارند. ولی اصلاً در بند این نبوده است. او اگر بخواهد یک بار دیگر برگردد، همه غلط‌هایش را درست می‌کند.

کتاب‌هایی با فایل‌های صوتی استاندارد

ناصری در ادامه به معرفی کتاب‌های داستان و دفترهای قصه مرتبط در حوزه قصه در مدرسه پرداخت



ترویج می‌شوند، یا مهارت‌های زندگی به کودکان آموخته می‌شوند. برای مثال در کتاب «چونگوله مو» به‌طور غیرمستقیم به کودک می‌گوید، اگر می‌خواهی در زندگی موفق باشی، باید همیشه اولین قدم را برداری. همچنین، داستان «آدامس نعنایی» به کودک می‌گوید، نوزاد تازه‌به‌دنیا آمده مانند آدامس نیست که به تو بچسبد و برایت دردسر ایجاد کند. این داستان به‌نوعی مهارت زندگی را می‌آموزد. همچنین، کتاب «یک مورچه هزار گندم»، از اندیشه سعدی در بوستان حکایت می‌کند. بنابراین در تمام کتاب‌ها ارزش‌های اخلاقی یا مهارت‌های زندگی به‌صورت غیرمستقیم آمده‌اند.

نکته بعدی این است که تمام نویسندگان این کتاب‌ها از افرادی هستند که در حوزه کودک و نوجوان بسیار شناخته‌شده و فعال و معتبرند. کتاب‌های داستانی متناسب با سن و سال همان بچه‌ها و در حد دانش و دایره لغات و واژگانی که می‌شناسند، نوشته شده‌اند.

و اما دفترهای قصه مرتبط با هر کتاب هم اهمیت

و جایگاه خود را دارند. نکته مهم درباره این دفترها آن است که در آن‌ها یک مجموعه فعالیت برای بچه‌ها تدارک دیده شده و در ابتدا و مقدمه دفتر هم آمده که انجام این فعالیت‌ها حالت اجباری ندارد و باید با میل و لذت بچه‌ها انجام شود. در واقع این درس و مشق اجباری بچه‌ها نیست، بلکه آنان باید از این دفتر و کتاب داستان لذت ببرند. ما باید به دنبال خوب کردن حال بچه‌ها باشیم و از فرصتی که آموزش و پرورش

فراهم کرده است، به‌درستی استفاده کنیم. بنابراین، شما می‌توانید زمانی که بحث خواندن را به‌واسطه این کتاب‌ها با بچه‌ها کار می‌کنید، شکل و حالت میز و صندلی‌ها را تغییر بدهید. مثل همین حالتی که خودتان نشسته‌اید، از محیط و فضای کلاس استفاده کنید. برای مثال، گروه‌های چندنفره درست کنید که بچه‌ها روبه‌روی هم بنشینند و همدیگر را ببینند، یا به‌شکل دایره‌ای بنشینند. حتی می‌توانید با بچه‌ها به محیط کتابخانه، مدرسه، نمازخانه یا حیاط بروید و این برنامه را آنجا اجرا کنید.»

و گفت: «الان شش کتاب و شش دفتر در اختیار شماست که می‌توانید آن‌ها را ورق بزنید و بخوانید. پشت جلد هر کتاب چهار رمزینۀ پاسخ‌سریع وجود دارد که هر کدام برای کاری در نظر گرفته شده است. در اولین رمزینۀ تأییدیه وزارت آموزش و پرورش وجود دارد که بیان می‌کند ورود این کتاب به مدرسه هیچ

منعی ندارد. در کشور ما تمامی کتاب‌ها از مسیر وزارت ارشاد عبور می‌کنند و سپس منتشر می‌شوند، اما هر کتابی امکان ورود به محیط مدرسه را ندارد و باید مجوز وزارت آموزش و پرورش را دریافت کند. حال تمامی شش جلد کتاب ما این مجوز را دارند. تأییدیه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز پشت جلد هر کتاب دیده می‌شود.

دو رمزینۀ بعدی به معرفی کتاب داستان و دفتر قصه همان کتاب مربوط است. می‌توانید خلاصه

محتوای آن کتاب و دفتر را ملاحظه کنید. آخرین مورد هم به فایل صوتی کتاب مربوط است. تمامی داستان‌های این کتاب‌ها را صدایشگران رادیو در محیطی کاملاً استاندارد ضبط کرده‌اند که شما معلمان گرامی می‌توانید آن‌ها را به‌دفعات در کلاس پخش و از آن‌ها استفاده کنید.

پیام‌های این داستان‌ها به‌صورت پنهان در آن‌ها گنجانده شده‌اند و هیچ‌گونه پند و نصیحتی به‌صورت مستقیم‌گویی در داستان‌ها نمی‌بینید. این در حالی است که در هر کدام از داستان‌ها، یا ارزش‌های اخلاقی

و اما دفترهای قصه مرتبط با هر کتاب هم اهمیت و جایگاه خود را دارند. نکته مهم درباره این دفترها آن است که در آن‌ها یک مجموعه فعالیت برای بچه‌ها تدارک دیده شده و در ابتدا و مقدمه دفتر هم آمده که انجام این فعالیت‌ها حالت اجباری ندارد



معلم تسهیلگر فضای گفت و گو است

ناصری که خود ایده پرداز جریان قصه در مدرسه است و تجربه های خوبی در این زمینه و همچنین نویسندگی کتاب و سردبیری و مدیر مسوولی مجله های رشد را دارد، در ادامه نکته ای در زمینه ارتباط معلم و شاگرد از یک معلم ژاپنی ذکر کرد: «در ژاپن یک معلم به بچه های پایه هشتم خود می گوید من از شما یک سؤال دارم. سؤال این بود که تو کیو یعنی پایتخت ژاپن، قلب ژاپن است یا مغز ژاپن؟ این در حالی است که کارکرد مغز یک چیز است و قلب چیز دیگر، یعنی اندیشه ژاپن از تو کیو در می آید، یا زندگی و حیاتش؟ سؤال را ببینید. بچه ها دو گروه می شوند. یک گروه که معتقد بودند تو کیو قلب ژاپن است، در این باره با هم صحبت می کنند و نظر می دهند. گروه دیگر هم که اعتقاد داشتند تو کیو مغز ژاپن است، با هم در این باره به گفت و گو می نشینند. سرانجام یکی از بچه ها می پرسد سنسه (معلم) جواب چیست؟ آن ها منتظر بودند معلم پاسخ لازم را به بچه ها بدهد، اما او در جواب می گوید، هر طور که خودتان فکر می کنید. خودتان این سؤال را حل و بررسی کنید.

در داستان ها هم نکته ها و فرصت هایی وجود دارند که در آن ها اندیشه های بچه ها، طرز دید بچه ها و تجربه های بچه ها با همدیگر در گفت و گو قرار بگیرند. پس بستر واقعی این کتاب یک جنبه اش گفت و گو است.

معلم در ایجاد گفت و گو، تسهیلگر است، نه قاضی یا طرف دیگر داستان. در دفتر قصه فضایی برای بچه ها ایجاد شده است تا یک داستان نیمه تمام و دارای فضای باز را با سبک و سلیقه خودشان به پایان ببرند.

در این فرصت یکی از شرکت کنندگان پرسید، منظورتان این است که خودشان آموزش را دریافت کنند؟ مدرس کارگاه در پاسخ گفت: «ببینید، ما یک یادگیری داریم، یک آموزش. معلمان سنتی می خواهند آموزش بدهند. یعنی آنچه را بلدند، به شاگرد انتقال بدهند. اما معلمان جدید در واقع تسهیلگرند. یعنی فضایی ایجاد می کنند که دانش آموز خودش به سمت یادگیری برود و پاسخ سؤال را پیدا کند و فرا بگیرد.

برای توسعه سواد خواندن از هر نقطه و با هر اندیشه ای و با هر کتاب داستانی، شیوه ای وجود دارد. این بسته هم شیوه خاص خودش را ارائه داده است. برای مثال، یکی از کتاب هایی که خودم در این مجموعه آن را دوست دارم، کتاب «راز دره پولک غول» است. به جای اینکه شما برای بچه ها از اهمیت خواندن، کتاب و کتابخانه بگویید، کافی است این داستان را به آن ها بدهید تا خودشان بخوانند. موضوع

در همین رابطه است، بدون آنکه مستقیم گویی شده باشد. ماجرای داستان یک ماهی است که خیلی خسته شده است و دیگر حتی بازی هم او را راضی نمی کند. او را راهنمایی می کنند به فضایی جدید و تازه که همانا کتابخانه است برود. در آنجا دنیای او خیلی تغییر می کند و بزرگ تر می شود.

در جشنواره بین المللی فیلم رشد فیلم کوتاهی ارائه شده بود که در آن یک شخص به زندان می افتد. به او می گویند، تنها کاری که

می توانیم برایت بکنیم، این است که برای خواندن به تو کتاب بدهیم. او کتاب ها را می گیرد و شروع به مطالعه می کند. از درون این کتاب ها، آن سلول و محل زندان برایش به فضاهای باز دیگر تبدیل می شود. او روی صندلی می نشیند و کتاب می خواند، اما چشم انداز مقابلش گاهی کوهستان است و گاهی اقیانوس. هر بار با مطالعه هر کتاب این چشم انداز وسیع و بزرگ تر می شود. در واقع با دیدن این فیلم تجربه های جالبی

معلم در ایجاد گفت و گو، تسهیلگر است، نه قاضی یا طرف دیگر داستان. در دفتر قصه فضایی برای بچه ها ایجاد شده است تا یک داستان نیمه تمام و دارای فضای باز را با سبک و سلیقه خودشان به پایان ببرند



چند نفره با هم شروع به مطالعه کتاب‌های داستان کردند و فعالیت‌های دفتر قصه را نیز که مرتبط با هر کتاب بود، بررسی کردند. این بخش از کار زمان خاصی را هم به خود اختصاص داد که در لابه‌لای انجام آن محمد ناصری به پرسش‌های افراد در هر گروه جواب می‌داد. انجام این کار عملی برای شرکت‌کنندگان در کارگاه بسیار جالب و جذاب بود.

کیفیت عالی و مطلوب کارگاه

پیش از به‌اتمام‌رسیدن این بخش از کارگاه، طیبه خرسندی، سرگروه آموزشی منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران، از این جلسه بازدید کرد. وی در ابتدا از دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و متولیان این برنامه قدردانی کرد و گفت: «بسیاری از همکاران دوست داشتند در این دوره شرکت کنند. ما در حد خودمان تلاش کردیم کارگاه به‌نحوی مطلوب و باکیفیت بالا برگزار شود.

امیدواریم شما عزیزان با دست پر راهی مناطق خودتان بشوید. رضایت شما عزیزان نشان می‌دهد این کارگاه از نظر علمی و همچنین اجرایی در حد عالی و با کیفیت بالا برگزار شده است.»

در ادامه نیز محمد ناصری گفت: «خانم دکتر قدوسی، مدیریت محترم دبستان سعادت، یکی از بهترین مدیران دوره ابتدایی از نظر مدل اداره کردن و همکاری هستند. در و دیوار این مدرسه از نظر اخلاقی و رفتاری و جنبه‌های بسیار با مخاطب حرف می‌زند.

برای مخاطب ایجاد می‌شوند.

می‌گویند، اگر می‌خواهید واقعیت یک فرهنگی را بدانید، مثلاً در مورد آمریکا، تاریخ آمریکا این را به شما نمی‌گوید، بلکه باید در این زمینه کتاب و رمان بخوانید. رمان عین آن زندگی را برایتان مطرح می‌کند. کتاب ناتور دشت (The Catcher in the Rye) نام رمانی اثر نویسنده آمریکایی، جروم دیوید سلینجر است که در ابتدا به‌صورت دنباله‌دار در سال‌های ۴۶-۱۹۴۵ انتشار یافت. این رمان کلاسیک که در اصل برای مخاطب بزرگسال منتشر شده بود، به دلیل درون‌مایه طغیانگری و عصبانیت نوجوان داستان، مورد توجه بسیاری از نوجوانان قرار گرفت. با خواندن این کتاب، واقعیت مدرسه‌های آن دوران آمریکا را می‌توانید بهتر متوجه شوید.

ما اگر ذهنمان را عادت بدهیم که برای هر ارائه، مفهوم، قصه و روایت درست کنیم، مطمئن باشید بچه‌ها حتماً با لذت یاد می‌گیرند. ما آدم‌ها دوستدار قصه و دوستدار روایت شیرین هستیم.»

جدول سرگرمی به جای پرسش و پاسخ

ناصری سپس به معرفی دو بخش جدول و سرگرمی در دفترها قصه پرداخت و افزود: «برای درک مطلب، به جای اینکه به بچه‌ها پرسش و پاسخ بدهیم، برای آنان جدول و سرگرمی در نظر گرفته شده است. برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های جدول، لازم است کتاب را با دقت خوانده باشند تا بتوانند به پرسش‌ها جواب بدهند و جدول را حل کنند. رمز آن را هم که یک نکته کلیدی مرتبط با کتاب و مطالعه است،

خودشان پیدا کنند. حل کردن سرگرمی هم خودش نوعی درک مطلب است که بچه‌ها از انجام‌دادن آن لذت می‌برند. مهارت‌های دیگری مثل قصه‌نویسی، قصه‌گویی، نقاشی و نمایش خلاق در این دفتر برای بچه‌ها تدارک دیده شده‌اند.»

پس از پایان صحبت‌های مدرس کارگاه، نوبت به انجام فعالیت عملی و کار گروهی با کتاب‌های داستان و دفترهای قصه رسید. در این بخش، افراد در گروه‌های

برای توسعه سواد خواندن از هر نقطه و با هر اندیشه‌ای و با هر کتاب داستانی، شیوه‌ای وجود دارد. این بسته هم شیوه خاص خودش را ارائه داده است



«این کارگاه یعنی: پرورش پشت در آموزش نمی ماند»

در بخش پایانی کارگاه فرصتی مهیا شد تا گفت‌وگویی با چند تن از شرکت‌کنندگان در قالب میزگرد داشته باشیم و از نظرهای این معلمان پایه چهارم بیشتر بدانیم. ابتدا با شرکت‌کنندگان در میزگرد آشنا می‌شویم و در ادامه نظر آنان را می‌خوانیم:

● زهرا قاسمی نجف‌آبادی

کارشناس ارشد آمار ریاضی است. او در مجموع تا امروز پنج سال سابقه تدریس در مدرسه‌های غیردولتی و دولتی دارد. در حال حاضر در دبستان نخلی ۲ منطقه ۵ در پایه چهارم تدریس می‌کند.

● نگار آقایی‌فر

دانش‌آموخته رشته روان‌شناسی بالینی از دانشگاه تهران و ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه شهید بهشتی است. حدود ده سال در زمینه روان‌شناسی خانواده و کودک فعالیت کرده و سال گذشته در آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش شرکت کرده و پذیرفته شده است. او در حال حاضر آموزگار پایه چهارم دبستان دخترانه آیین روشن در منطقه ۳ است.

● افسانه هادی‌زاده

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی است و در حال حاضر، آموزگار پایه چهارم دبستان شهید مصطفی خمینی منطقه

● منیره السادات توکلی

با مدرک کارشناسی روان‌شناسی، دارای ۱۵ سال سابقه تدریس است. وی در حال حاضر در دبستان نظام مافی منطقه ۲ در پایه چهارم فعالیت می‌کند و سرگروه آموزشی پایه چهارم منطقه نیز هست.

● آرمین دیناروند

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد با ۱۹ سال سابقه کار، از دبستان شهید آبخناسان منطقه چهار، به‌عنوان معلم پایه چهارم در جلسه حضور داشت.

● مینا زیوری

مدرک ارشد علوم تربیتی دارد و از منطقه ۱۴ به‌عنوان معلم پایه چهارم در کارگاه حضور داشت.

«به نظر خودتان برپایی این کارگاه یک‌روزه چقدر روی فعالیت‌های شما اثرگذار است و چه دستاوردهایی برایتان دارد؟»

قاسمی نجف‌آبادی: «مطمئناً تأثیرات مثبتی بر تدریس ما خواهد داشت. اکنون انگیزه ما بیشتر شد.»

هادی‌زاده: «هدف از تشکیل این کارگاه‌ها تقویت و پرورش ذهن خلاق دانش‌آموزان است. در این میان، معلم به‌عنوان هدایتگر، می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. آگاه کردن آموزگار از نقش خود در این راه می‌تواند چراغ راه دانش‌آموزان مستعد باشد.»

دیناروند: «بسیار مفید بود. تصمیم دارم مباحث را بین همکاران مدرسه اشاعه دهم.»

توکلی: «این کارگاه روی من تأثیر بسیار مثبتی داشت. من متوجه شدم، قصه‌گویی چقدر می‌تواند در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به یادگیری و تقویت مهارت‌های زبانی آن‌ها مؤثر باشد. این کارگاه به من یاد داد می‌توانم از ابزارهای ساده مانند قصه و داستان برای افزایش خلاقیت و مشارکت دانش‌آموزان استفاده کنم.»

آقای فر: «کارگاه باوجود زمان کوتاهش، برای من بسیار بهره‌ور و پرفایده بود. خلاصه اینکه من یاد گرفتم تمام رشد و پیشرفت بچه‌ها در سنین ابتدایی و به‌خصوص پایه چهارم، که آغاز توسعه مهارت خوانداری است، به میزان مهارت خوانداری در کودکان برمی‌گردد. فهمیدم که طبق تحقیقات، بالا بودن سواد خوانداری در افزایش سایر مهارت‌ها تأثیر مستقیمی دارد و در بهبود فرایند یادگیری و موفقیت‌های آینده کودکان و نوجوانان سنین ابتدایی بسیار مؤثر است.»

زیوری: «بحث قصه‌گویی و سواد خوانداری برای بنده دل‌چسب و راهگشا بود؛ به‌خصوص در فارسی بچه‌ها.»

«چقدر علاقه‌مند شدید در کلاس درس خود از قصه و داستان استفاده کنید؟»

قاسمی نجف‌آبادی: «بنده علاقه زیادی به استفاده از قصه و داستان در تدریس دارم؛ نه فقط تدریس فارسی، بلکه تدریس همه درس‌ها.»

هادی‌زاده: «از آنجا که اعتقاد بر این است که در کنار آموزش باید پرورش لازم هم انجام پذیرد، چه‌بسا امر پرورش مهم‌تر هم هست. قصه و داستان برای تفهیم بهتر مطالب می‌توانند تسریع‌بخش آموزش و همچنین پرورش مفاهیم انسانی و اخلاقی در دانش‌آموزان باشند.»

دیناروند: «حتماً در کلاس‌م از این بسته بهره خواهیم برد.»

آقای فر: «با شرکت در کارگاه، به‌وضوح دریافتم، با وجود این همه قدرتی که قصه‌گویی و قصه‌خوانی در پرورش ذهنی و رفتاری کودکان و نوجوانان دارد، چقدر از

آن غفلت واقع شده و تزریق آن به نظام آموزش و پرورش (به‌تبع جذابیت‌های فراوانی که قصه‌گویی و به‌خصوص قصه‌خوانی برای بچه‌های سنین ابتدایی دارد)، چقدر می‌تواند کار آموزش و پرورش کودکان را تسهیل کند.»

زیوری: «بسیار.»

توکلی: «بعد از شرکت در این کارگاه، علاقه من به استفاده از قصه و داستان در کلاس بیشتر شد. متوجه شدم قصه‌گویی روشی جذاب برای درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری است و به تقویت مهارت‌های شنیداری، گفتاری و نوشتاری آن‌ها کمک می‌کند.»

«در این کارگاه چه نکته و مبحث جدید و تازه‌ای یاد گرفتید؟»

قاسمی نجف‌آبادی: «نکات زیادی یاد گرفتم؛ به‌خصوص از یکی از همکاران که فرمودند در کلاسشان کافه‌کتاب برگزار می‌کنند. موضوع بسیار جالبی بود.»

دیناروند: «با توجه به سوابق، مطلب جدیدی برای من ارائه نشد، اما شکل کارگاهی کلاس بسیار مفید و انگیزه‌بخش بود.»

هادی‌زاده: «آشنایی با تجربه‌های همکاران عزیز در پرورش استعدادهای دانش‌آموزان و به‌کارگیری این تجربه‌های ارزشمند در کلاس درس خود و انتقال آن به همکاران دیگر.»

آقای فر: «من در دوره کوتاه خدمت‌م، برای جذب دانش‌آموزانم، به‌وفور از این شیوه استفاده می‌کردم، اما متأسفانه چندان هدفمند نبود. صادقانه عرض کنم، گاهی فکر می‌کردم با پیاده کردن این روش نه‌چندان رایج، وقت کلاس را هدر می‌دهم. من این روش را تا حدودی از زمان دانشگاه می‌شناختم و کارگاه دیروز باعث شد مطمئن شوم بی‌راهه نرفته‌ام. در عین حال، بسیاری از مطالبی که استادان مطرح کردند، تازه و جذاب بودند.»

زیوری: «قصه‌گویی و جذب بچه‌ها برای مدیریت عالی کلاس.»

توکلی: «یکی از نکات مهمی که یاد گرفتم، روش استفاده از دفتر قصه برای تقویت مهارت‌های زبانی در دانش‌آموزان بود. همچنین فهمیدم، چگونه می‌توان از قصه به‌عنوان ابزار آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی و مهارت‌های زندگی استفاده کرد.»

«اگر بخواهی سایر همکاران در مدرسه‌های دیگر را ترغیب کنی در چنین کارگاهی شرکت کنند، چگونه او را به شرکت در این کارگاه ترغیب می‌کنی؟»

دیناروند: «حتماً از کارکردها و نتایج پژوهش‌های پرلز برای ترغیب سایرین بهره خواهیم برد.»

قاسمی نجف‌آبادی: «اگر بخواهم همکاران دیگر را

ترغیب کنم، ابتدا سعی می‌کنم نکات این کلاس را در کلاس‌م اجرا کنم و بعد از اینکه نتیجه آن را دریافت کردم، با توجه به نتیجه، دوستان را به چنین کارگاهی دعوت می‌کنم.»

هادی‌زاده: «با اجرای این طرح در کلاس درس خود، کسب نتیجه مطلوب و اشتراک این نتیجه با همکاران خود. در مورد محتوای آموخته‌شده در این کارگاه با آن‌ها صحبت می‌کنم تا آن‌ها را به شرکت در این کارگاه ترغیب کنم.»

آقای فر: «برای ترغیب و تشویق همکاران، خلاصه مختصر اما مفیدی از مطالب کارگاه را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم و ضمن تأکید بر تأثیر انکارناپذیری که استفاده از چنین روش‌هایی در پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی از دید روان‌شناسان و متخصصان ذی‌ربط دارد، آموزش و به‌کارگیری این روش‌ها را به آن‌ها پیشنهاد می‌کنم (شرکت در کارگاه‌های مرتبط و به‌کارگیری روش‌های آموخته‌شده).»

زیوری: «با توصیف اتفاقاتی که حین کارگاه برای خودم رخ داد و باعث جذب من شد.»

توکلی: «به آن‌ها می‌گویم این کارگاه فرصتی فوق‌العاده است تا روش‌های خلاقانه‌ای برای تدریس بیاموزند. قصه‌گویی می‌تواند کلاس درس را جذاب‌تر و دانش‌آموزان را به یادگیری تشویق کند. همچنین تجربه کار عملی و گروهی باعث می‌شود محتوای آموزشی بهتر درک شود.»

همان‌طور که خودتان در محیط کارگاه حضور داشتید و از این کتاب‌ها استفاده و آن‌ها را بررسی کردید، در کنار هر کتاب یک دفتر قصه هم وجود داشت. به نظر شما این دفترهای قصه چه مزیت‌هایی برای دانش‌آموزان دارند تا به بچه‌ها کمک کنند در مهارت‌های خواندن، نوشتن، گوش کردن و صحبت کردن موفق‌تر باشند؟

قاسمی نجف‌آبادی: «به نظر بنده، کتاب‌ها بسیار عالی، داستان‌های آن‌ها جذاب و محتوا غنی بود. دفتر خیلی خوبی هم داشت. اما چون بعد از کارگاه کلاس درس خودم مجازی شد، هنوز فرصت استفاده از آن‌ها را پیدا نکردم. در اولین فرصت استفاده می‌کنم. احساسم این است که نتیجه خوبی خواهد داشت.»

هادی‌زاده: «مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری به توانایی ما در حل کردن به‌موقع و بدون مانع مشکلات برمی‌گردد. در واقع مهارت توانایی شناسایی مشکل و پیدا کردن راه حل می‌تواند در کودکی پرورش یابد. این دفترچه‌ها دانش‌آموزان را ترغیب می‌کنند مسائل مورد چالش را با عمق بیشتری بررسی و نتایج را از دید خود عنوان کنند.»

دیناروند: «دفترها باعث ایجاد انگیزه و نشاط و پایداری انگیزه نوشتن و خواندن و درک مطلب در بچه‌ها خواهند بود.»

آقای فر: «اینکه در کنار هر کتاب یک دفتر قصه هم وجود داشت، کار را خیلی جذاب‌تر می‌کرد. به نظر من، این دفترچه کار قصه‌خوانی را هدفمند می‌کند، چرا که طبق آموخته‌هایم می‌دانم، اگر چیزی را که تازه مطالعه کرده و آموخته‌ام، بلافاصله بعد از خواندن به طریقی در ذهنم پردازش و حل و فصل کنم، محال است آن را فراموش کنم. این دفترچه همراه کتاب این کار را به خوبی انجام می‌دهد.»

توکلی: «دفترهای قصه باعث تقویت مهارت‌های نوشتن، گوش کردن، و بیان افکار می‌شوند. دانش‌آموزان می‌توانند خلاقیت خود را در این دفترها بروز دهند و یاد بگیرند چگونه داستان‌های کوتاه بنویسند و به دیگران ارائه دهند. این دفترها اعتمادبه‌نفس آن‌ها را در گفتار و نوشتار افزایش می‌دهند.»

زیوری: «خلاصه و مرور و نتیجه‌گیری کتاب‌هایم را هموار می‌کرد.»

«اگر شما به جای نویسنده یا تصویرگر این کتاب‌ها بودید، برای اینکه قصه‌گویی و کتاب‌خوانی بیشتر مورد توجه دانش‌آموزان شما قرار بگیرد، چه فعالیتی انجام می‌دادید؟

دیناروند: «با توجه به شناخت روز دانش‌آموزان پایه چهارم، در دفترهای قصه‌ها از روش‌های ارجاعی و بازی‌های دیجیتال بهره می‌گرفتم.»

قاسمی نجف‌آبادی: «کتاب‌ها به اندازه کافی غنی بودند. برای دفتر هم دوستان پیشنهاد کردند یک کاردستی در کنار آن باشد که نظر من هم همین است تا بچه‌ها دست‌ورزی هم داشته باشند.»

هادی‌زاده: «کتاب‌ها بسیار کارشناسی‌شده و زیبا طراحی شده‌اند. شاید دانش‌آموزان را در موقعیت چالش‌برانگیز بیشتری قرار می‌دادم! به عنوان مثال، با طرح معما در مورد شخصیت اصلی داستان در ابتدای کتاب.»

توکلی: «اگر به جای نویسنده یا تصویرگر بودم، سعی می‌کردم قصه‌هایی با محتوای متناسب با سن و علاقه‌های دانش‌آموزان طراحی کنم. همچنین از تصویرهای جذاب و رنگارنگ بیشتری استفاده می‌کردم تا توجه آن‌ها بیشتر جلب شود. ایجاد فعالیت‌های تعاملی در پایان هر داستان هم می‌تواند به درک بهتر قصه کمک کند.»

آقای فر: «کار نویسنده و تصویرگر بسیار عالی و در خور توجه بود، اما به نظر من با توجه به سن بچه‌هایی

که قرار است از این کتاب‌ها استفاده کنند، اگر رنگ تصویرهای داخل کتاب هم مثل رنگ روی جلد تنوع بیشتری داشت، قطعاً در جذب بچه‌ها تأثیر چند برابری می‌گذاشت.»

زیوری: «بازی یا کاردستی هم اضافه می‌کردم.»

«مهم‌ترین نکته‌ای که از مدرس این کارگاه یعنی جناب آقای ناصری دریافت کردید، چیست؟

هادی‌زاده: تسلط استاد گرامی در حیطه فکری کودکان و هدفمندبودن اجرای این طرح فاخر. قاسمی نجف‌آبادی: «مطالعه زیاد. من ایشان را فردی یافت‌م که بسیار مطالعه می‌کند و خودم به مطالعه بیشتر علاقه‌مند شدم.»

دیناروند: «ارتباط مؤثر میان خواندن، شنیدن، گفتن، نوشتن و اهمیت خلاقیت و توجه به مبحث خوانداری دانش‌آموزان پایه چهارم.»

آقای فر: «تمام مطالب و صحبت‌های جناب آقای ناصری جالب و در خور توجه بودند. به‌خصوص آن قسمت که در مورد تنوع سوادها مطالب مفیدی عنوان کردند. وجه اشتراک همه آن‌ها این است که بتوانند بالقوه را به بالفعل تبدیل کند تا فرد بتواند با توجه به میزان دانشی که دارد، در زندگی خود تغییر مثبتی ایجاد کند. و این ایده جذاب قصه و داستان‌خوانی در مدرسه، این هدف را دنبال می‌کند.»

توکلی: «مهم‌ترین نکته‌ای که یاد گرفتم این بود که داستان و قصه می‌تواند ابزاری قدرتمند برای آموزش باشد و معلم باید بتواند خلاقیت و ابتکار خود را در تدریس به کار ببرد.»

زیوری: «پرانرژی باشیم، مطالب را باور داشته باشیم و صرفاً سخنوری نکنیم.»

«به نظر شما انجام فعالیت کارگاهی (یعنی کار به‌صورت گروه‌های چند نفری) چقدر در دریافت بهتر محتوا مفید و مؤثر بود، تا اینکه صرفاً سخنرانی باشد.

قاسمی نجف‌آبادی: «مسئله کار گروهی مفیدتر از تدریس به‌صورت سخنرانی است. این را در کلاس‌های خود هم به چشم دیده‌ایم.»

هادی‌زاده: «در بسیاری از نظام‌های تعلیم و تربیت در دنیا، نظام آموزشی به سمت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کارهای گروهی برنامه‌ریزی می‌شود. دلیل این رویکرد، تخصصی‌شدن فعالیت‌ها در دنیای امروز است که در عمل مانع از آن می‌شود که افراد در کسب‌وکار به‌صورت انفرادی توفیقات چندانی به‌دست بیاورند. پس قطعاً آموزگاران که هدایتگر و مجری این طرح هستند، با قرار گرفتن در این موقعیت، بهتر می‌توانند

رسالت خود را انجام دهند.»

دیناروند: «بسیار عالی بود؛ به‌خصوص که اجرای واقعی داشت و شعارگونه نبود و به‌خوبی از نظر زمان و محتوا مدیریت شد.»

آقای فر: «مسئله ارتباط افراد شرکت‌کننده در کارگاه با یکدیگر و فعالیت و تعامل در گروه بسیار جذاب‌تر و سودمندتر است تا زمانی که جلسه کاملاً به شکل سخنران‌محور پیش برود. ضمن اینکه تعامل و ارتباط مؤثر بین استادان و دانشجویان که در کارگاه لحاظ شده بود، علاوه بر جذب تمام‌وقت مخاطبان به مبحث مطرح‌شده، جلسه را از حالت کسالت‌بار سخنران‌محور دور می‌کرد و خواه‌ناخواه تمام شرکت‌کنندگان از اول تا آخر جلسه حضور فعال داشتند.»

زیوری: «باعث دل‌چسب‌شدن دوره شد.»
توکلی: «کارگاه‌های گروهی بسیار مفید بودند، زیرا فرصت تبادل نظر و یادگیری مشارکتی را فراهم کردند. این روش بسیار بهتر از سخنرانی نظری است و به درک عملی و کاربردی مطالب کمک می‌کند.»

«آیا پیش از حضور در این کارگاه، برای دانش‌آموزان خودتان فعالیت کتاب‌خوانی و قصه‌گویی داشته‌اید. اگر پاسخ شما مثبت است، کمی درباره روش انجام آن توضیح دهید.

توکلی: «بله. من قبلاً هم در کلاس فعالیت کتاب‌خوانی و قصه‌گویی انجام داده‌ام. دانش‌آموزان را تشویق می‌کردم داستان‌های کوتاه بخوانند و سپس درباره آن‌ها گفت‌وگو کنیم. این روش باعث می‌شد مهارت‌های ارتباطی و درک مطلب آن‌ها بهبود پیدا کند.»
دیناروند: «بله. البته بیشتر در سطح مفاهیم کتاب فارسی یا روش تکمیل داستان‌های انتزاعی برای پرورش تخیل بچه‌ها بود.»

آقای فر: «بله. من با وجود کم‌تجربگی و با وجود گذشتن حدود دو هفته از سال تحصیلی، متوجه شدم روش‌های معمول آموزشی در مدرسه و کلاس باعث خستگی و کسالت بچه‌ها می‌شوند. بنابراین تصمیم گرفتم در حد توان خودم ساعت حضورشان در مدرسه را به‌نحوی جذاب‌تر کنم. به این ترتیب که سر کلاس درس اجازه دادم درس را به چشم قصه و داستان نگاه کنند. خود را جای شخصیت‌های داستان بگذارند و حتی نقش آن‌ها را سر کلاس جلوی دوستانشان بازی کنند. ابتدا این شیوه را برای درس‌های فارسی و بخوان و ببندیش به کار بردم، اما وقتی با استقبال بچه‌ها مواجه شدم، این روش را برای بعضی درس‌های مطالعات و هدیه‌ها، که داستانی بودند، هم به کار گرفتم. الان دانش‌آموزان کلاس من ضمن اینکه آن دست مطالب

به‌خوبی در ذهنشان ماندگار شده است، برای شروع درس جدید به همین روش لحظه‌شماری می‌کنند.»

قاسمی نجف‌آبادی: «بله. در کلاس خود از روش قصه‌گویی زیاد استفاده کرده‌ام؛ هم از خواندن کتاب و هم از قصه‌هایی که برای درس‌های گوناگون، به‌خصوص ریاضی، به کار برده‌ام. برای تسهیل در آموزش هم گاهی در کلاس کتاب‌خوانی داریم. متناسب با درس‌های فارسی، از قصه‌های شاهنامه و مثنوی مولوی استفاده کرده‌ایم و از بچه‌ها می‌خواهیم کتابی را که خوانده می‌شود، در کلاس در چند بند خلاصه کنند و برای ما بنویسند، یا به‌صورت درک مطلب چند سؤال از آن‌ها می‌پرسیم.»

هادی‌زاده: «بله. روش تدریس بنده منطبق بر قصه‌گویی است، به‌طوری که مطالب درس‌ها و حتی درس ریاضی را در قالب داستان برای دانش‌آموزان عزیزم تدریس می‌کنم. این کار به نهادینه‌شدن مطالب درسی در ذهن جویای فرزندانم، علاقه آن‌ها به کلاس درس و مدرسه و همچنین یادگیری ارزش‌های اخلاقی منجر می‌شود.»

زیوری: «خیر.»

«این کارگاه را در یک جمله ارزیابی کنید. توکلی: «این کارگاه تجربه‌ای ارزشمند و الهام‌بخش بود که روش‌های خلاقانه و جدیدی برای تدریس قصه‌گویی در کلاس ارائه داد.»

آقایی فر: «بدون اغراق عرض کنم، این قسم

کارگاه‌های آموزشی مرهمی هستند بر زخم کهنه نظام آموزشی ما که ناشی از ناآگاهی مسئولان ذی‌ربط نسبت به روش‌های جذب دانش‌آموز در سنین حساس آموزش رفتار و شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد، یعنی دوران آموزش ابتدایی بود. همین بی‌توجهی ناخواسته باعث بی‌علاقگی تعداد بی‌شماری از دانش‌آموزان نسبت به مطالعه و کتاب‌خوانی در طول سال‌های سال شد و متأسفانه پیامدهایی از جمله پایین‌ماندن سطح سواد خوانداری ما در کشور و به‌تبع آن در دنیا را داشت.»

هادی‌زاده: «دیگر در کلاس‌های درس پرورش پشت در آموزش نمی‌ماند. به کلاس ما خوش آمدی.»

قاسمی نجف‌آبادی: «اگر بخواهم کارگاه را در یک جمله تعریف کنم، باید بگویم برای معلم قصه‌گویی و استفاده از داستان در تدریس بسیار مهم و ضروری است. بنابراین چنین کارگاه‌هایی بسیار مفیدند.»

دیناروند: «جای چنین کارگاه‌هایی برای همه آموزگاران بسیار خالی است و تربیت معلمان آگاه به روش و محتوا بسیار ضروری به نظر می‌رسد. به‌خصوص با توجه به استخدام‌های سیل‌گونه سال‌های اخیر، کیفیت‌بخشی باید مهم‌ترین اصل آموزش همکاران ابتدایی باشد. با تشکر از زحمت شما.»

زیوری: «بسیار پربار و توانمند عمل کردید. خدا قوت.»

و سرانجام چهارمین کارگاه توسعه سواد خواندن با شعار «قصه در مدرسه»، ویژه آموزگاران پایه چهارم مناطق شهر تهران به پایان رسید.

به‌خوبی در ذهنشان ماندگار شده است، برای شروع درس جدید به همین روش لحظه‌شماری می‌کنند.»

قاسمی نجف‌آبادی: «بله. در کلاس خود از روش قصه‌گویی زیاد استفاده کرده‌ام؛ هم از خواندن کتاب و هم از قصه‌هایی که برای درس‌های گوناگون، به‌خصوص ریاضی، به کار برده‌ام. برای تسهیل در آموزش هم گاهی در کلاس کتاب‌خوانی داریم. متناسب با درس‌های فارسی، از قصه‌های شاهنامه و مثنوی مولوی استفاده کرده‌ایم و از بچه‌ها می‌خواهیم کتابی را که خوانده می‌شود، در کلاس در چند بند خلاصه کنند و برای ما بنویسند، یا به‌صورت درک مطلب چند سؤال از آن‌ها می‌پرسیم.»

هادی‌زاده: «بله. روش تدریس بنده منطبق بر قصه‌گویی است، به‌طوری که مطالب درس‌ها و حتی درس ریاضی را در قالب داستان برای دانش‌آموزان عزیزم تدریس می‌کنم. این کار به نهادینه‌شدن مطالب درسی در ذهن جویای فرزندانم، علاقه آن‌ها به کلاس درس و مدرسه و همچنین یادگیری ارزش‌های اخلاقی منجر می‌شود.»

زیوری: «خیر.»

«این کارگاه را در یک جمله ارزیابی کنید. توکلی: «این کارگاه تجربه‌ای ارزشمند و الهام‌بخش بود که روش‌های خلاقانه و جدیدی برای تدریس قصه‌گویی در کلاس ارائه داد.»

آقایی فر: «بدون اغراق عرض کنم، این قسم

